

# آخرین تحولات غزه و چشم انداز پیش رو

نشست تخصصی



جنگ غزه را بایستی در سطح گذار در نظم بین الملل در نظر گرفت و نمی توان تنها آن را در حد منطقه ای ببینیم. از همان ابتدا در عملیات طوفان الاقصی پیروزی نهفته بود و معادلات منطقه و جهان را به ضرر رژیم و متحدانش برگرداند. در این وضعیت، فرصت مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران و قدرت های دیگر پدید آمد تا با وجود چالش های موجود، به قدرت افزایی بپردازند اما اگر از فضاهای موجود استفاده نشود، بار دیگر در آینده، شاهد احیای رژیم و غرب خواهیم بود؛ در این زمینه، نشست با عنوان آخرین تحولات غزه و چشم انداز پیش رو با حضور دکتر حسین آجورلو (مدیر گروه مطالعات غرب آسیای مؤسسه بین المللی ابرار معاصر) و دکتر ابوالفضل بازرگان (تحلیلگر مسائل بین الملل و استاد مدعو مرکز مطالعات آمریکا) با دبیری دکتر حسن محمد میرزائی (مدیر اندیشکده مطالعات جهان اسلام) در پژوهشکده شهید صدر برگزار شد.

ایراداتی که نتانیاهو به نیروهای امنیتی خود داشت را مورد تحلیل قرار داد.

نکته مهم دیگر، بحث اهمیت یافتن مسئله فلسطین میان ملت‌های منطقه و افکار عمومی جهان است و همچنین تجمعاتی که در کشورهای غربی در حمایت از غزه صورت می‌گیرند، اهمیت زیادی دارند؛ بنابراین باید با نگاهی آینده‌نگرانه به این مسئله بپردازیم و این نکته که جمهوری اسلامی ایران در جریان طوفان الاقصی ضعف مدیریتی دارد یا برعکس به عنوان کنشگری فعال یا بازیگر بازی‌گردان منطقه عمل می‌کند را مورد بررسی قرار دهیم.

### در ادامه دکتر حسین آجورلو به عنوان سخنران اول نشست، به ارائه مطالب خود پرداخت:

در جریان فرسایشی شدن جنگ غزه، نمی‌توان تنها به افکار عمومی ضدصهیونیستی جهانی یا قدرت نرم تکیه کرد. باید رویکرد تقویت قدرت نظامی طرف مقابل را به دست گیریم و در این زمینه خود را آماده سازیم. در رابطه با عملیات طوفان الاقصی، بیان این نکته ضروری است که از همان ابتدای شروع عملیات، پیروزی در آن نهفته بود حتی اگر کوچ اجباری فلسطینیان انجام می‌شد یا قدرت رزم حماس نابود می‌شد، باز هم ضربه کاری حماس به اسرائیل به عنوان تهدید منطقه، اقدام بسیار بزرگی بود. در ادامه این عملیات، حماس با وجود کشتار مردم بی‌گناه غزه و زمین‌هایی که تحت اشغال رژیم درآمده است، با اراده‌ای قوی به ضربات خود به رژیم ادامه داده است. در این راستا باید به این نکته اشاره نمود که دو نوع پیروزی متقارن و نامتقارن وجود دارند؛ برای مثال در



در مقدمه دکتر حسن محمد میرزائی؛ دبیر نشست در رابطه با تحولات غزه این مسئله را مطرح ساخت: عملیات طوفان الاقصی در تمامی ابعاد مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی خود، نباید تنها در جغرافیای کوچک اطراف خود باقی بماند و بایستی آن را در بستر تحولات گسترده جهانی بررسی کرد و تحولات بعدی در منطقه و بحث گذار به نظم جدید جهانی را نیز مورد توجه قرار داد؛ آینده‌ای که هژمونی جهانی آمریکا مورد چالش قرار خواهد گرفت و قدرت از غرب به شرق انتقال میابد.

در این راستا جنگ اوکراین، چالش‌های دریایی جنوبی چین و... مؤلفه‌های این تغییرات هستند. از طرفی این تحولات را نباید تنها به شکلی توصیفی در حد آمار و ارقام جنگی و مسائلی از این دسته محدود ساخت و بایستی نگاهی راهبردی محور داشت و مباحثی مانند چالش‌های منطقه‌ای، عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل یا مباحث امنیتی از جمله

و از طرفی پس از شکست‌های جبهه سازشگر طی سال‌های اخیر، بسیاری از طرف‌داران آن، به صف جبهه مقاومت گرویدند و تبدیل به نیروی ذخیره مقاومت شدند.

این عملیات که حالتی تهاجمی داشت، به اهدافی دست پیدا کرد و همین مسئله عامل بالا رفتن اعتماد به نفس آنها شد. در این میان، قشر خاکستری جامعه نیز که در زمان توافق اسلو، ۷۰٪ از آنها طرف‌دار سازش بودند، وضعیتی دیگر پیدا کرده است و امروزه ۷۰٪ آنها طرف‌دار تفکر مقاومت گشته‌اند.

البته این جهت‌گیری‌ها مانند افکار عمومی، سیال هستند و پایداری ندارند. این مناطق، مسکونی هستند و بنابراین ممکن است عده زیادی از آنها مخالف جنگ باشند. در دفاع مقدس نیز حدود ۵ الی ۶٪ جمعیت درگیر جنگ بودند و عده زیادی از آن دوری می‌کردند.

در این سطح فلسطینی، گروه‌های داخلی مانند حماس یا جهاد نیز درگیر چالش‌هایی هستند. در عملیات اخیر، جهاد، انتقاداتی را به حماس به دلیل هماهنگ نبودن در شروع عملیات مطرح ساخت؛ چراکه جهاد در کرانه باختری، از آمادگی لازم برای مقابله با حملات رژیم برخوردار نبوده است؛ همین مسئله سبب شد رژیم در روزهای گذشته، به آن‌ها فشار زیادی وارد سازد؛ با این وجود، همه گروه‌های مقاومت پس از آغاز جنگ، با یکدیگر همکاری دارند و راهبرد «وحدت عرصه‌ها» و «وحدت جبهه‌ها» را دنبال می‌کنند.

به عبارتی ذیل راهبرد وحدت عرصه‌ها، در تصمیم‌گیری‌ها وحدت دارند و در رابطه با وحدت

جنگ ویتنام، با وجود اینکه میلیون‌ها انسان کشته و آواره شدند اما با وجود گذشت سال‌ها، هیچ‌کسی از پیروزی ایالات متحده در آن جنگ صحبت نمی‌کند؛ بنابراین در این‌گونه جنگ‌ها که قدرت‌های بزرگ با واحدی کوچک درگیر می‌شوند، به اصطلاح جنگ‌های نامتقارن گفته می‌شود و به این دلیل که واحدهای کوچک، اجازه تحقق اهداف قدرت بزرگ‌تر را می‌دهند، نوعی شکست برای آن قدرت‌ها تلقی می‌شوند. با این فرضیه، پیروزی مقاومت در جنگ اخیر قطعی است؛ چراکه اهداف پیشینه رژیم در نابودی حماس و نابودی بُعد نظامی آن موفق نبوده است و اهداف کمینه آن نیز در آزادسازی اسرا و توقف راکت پراکنی‌ها نیز راه به جایی نبرده است.

در حال حاضر توان جبهه مقاومت بعد از گذشت ۶۰ روز، کاهشی نیافته است و از طرفی، رژیم صهیونیستی حتی یک اسیر را هم (با وجود اینکه غزه وضعیت منسجمی ندارد و گروه‌های متکثری در آن فعالیت دارند)، نتوانسته است با حملات نظامی خود آزاد کند.

### پیامدهای جنگ غزه

پیامدهای این جنگ در سه سطح قابل بررسی است؛ ۱. سطح داخلی: مردم فلسطین در این راستا به سه دسته تقسیم می‌شوند: قسمتی از جامعه فلسطینی، با تفکر مقاومت، غرابت دارند و به آرمان فلسطینی در حوزه عمل و اقدام متعهد هستند. بخش دیگر جامعه، عقیده به سازش با رژیم دارند و مشکلی ندارند که در زیر سیطره آن به امور خود بپردازند. قسمت سوم از این جامعه، به اصطلاح قشر خاکستری هستند و دیدگاهی بین این دو دارند.

در این زمینه، عملیات طوفان الاقصی باعث شد که طیف جامعه عملیاتی و پیرو مقاومت، تقویت شوند

قبل، در حمایت از اقدامات حماس، بیانیه صادر می‌کنند؛ برای مثال ترکیه و عربستان در این حیطة با تداوم فعالیت کرده‌اند.

از طرفی مصر نیز در رابطه با کوچ اجباری، موضع‌های زیادی گرفت. اینها در حالی است که در سال‌های گذشته، این کشورها مخالف گروه‌های اخوانی یا حماس بودند و در راستای دستورات غرب حرکت می‌کردند. به تازگی در نشست اتحادیه عرب، مواضع و بیانیه‌هایی که مطرح شد، نسبت به سالیان گذشته، وضعیت بهتری داشت و بیشتر با کوچ اجباری و تغییر مرزهای فلسطین مخالف بودند.

نکته بعدی این است که عادی سازی اعراب با اسرائیل به تعویق افتاد البته ممکن است در آینده فعال شود اما مذاکراتی که در این زمینه تعطیل شد، امکان دارد به بعد از انتخابات آمریکا موکول شوند و بنابراین اتفاقات دیگری ممکن است در این زمینه رخ دهد.

**۳. در سطح بین‌الملل:** در این سطح، آمریکا دچار چالش‌هایی شده است؛ به این صورت که جناح‌های مقابل آمریکا مانند چین و روسیه و به عبارتی مقاومت، به معنای عام و جهانی، موقعیت بهتری یافتند. از طرفی پروژه اوکراین که تمرکز غرب بر آن معطوف شده بود نیز دچار چالش گردید. در این وضعیت، بحث‌های کلان منطقه و موضع‌گیری‌های روسیه و چین در منطقه نیز کم‌نظیر بود؛ چراکه آشکارا از حقوق فلسطینی‌ها حمایت کردند.

از طرفی قضیه فلسطین که مدت‌ها از نظر همه پاک شده بود، به شکلی فراگیر در سطح جهانی مطرح شد. در گستره جهانی، مردم در فضای مجازی و در تجمعات خود، اهمیت قضیه فلسطین را درک کردند

جبهه‌ها نیز اگر جبهه‌ای مورد حمله قرار گیرد، سایر جبهه‌ها حمایت می‌کنند. در این میان، گروه‌های مقاومت، نگاهی ملی‌گرایانه دارند و به دنبال حمایت از یکدیگر هستند. گروه‌های مقاومت مانند جهاد در چند عملیات اخیر خود، تل‌آویورا مورد هدف قرار داده‌اند.

در بُعد سیاسی نیز بخش‌های سازشگرا مقاومت، یکدیگر را محکوم نمی‌سازند؛ هرچند انتظارات بیشتری از آن‌ها می‌رود اما تشکیلات خودگردان نیز اقدامات کم‌نظیری را صورت می‌دهد؛ برای مثال در برخی مواقع که نیروهای حماس یا جهاد، امکان پیشروی ندارند، تشکیلات خودگردان در سازمان و نهادهای جهانی، کار را جلومی‌برند؛ بنابراین در عرصه سیاسی نیز همکاری‌های خوبی به جریان افتاده است.

**۲. در سطح منطقه‌ای:** در بحث وحدت جبهه‌ها و عرصه‌ها، گروه مقاومت، نگاهش را راهبردی کرده است. از حزب الله لبنان گرفته تا یمن، مقاومت عراق، جولان و... دست کم در سطح عملیات‌های نقطه‌ای یا سایبری، وحدت جبهه را دنبال می‌کنند و این پیام را به طرف مقابل مخابره کرده‌اند که پای کار هستند. جمهوری اسلامی نیز با رویکردی سیاسی و دیپلماتیک در منطقه، با توجه به روابط خوبی که با کشورهای منطقه ایجاد کرده است، حمایت‌گری از غزه را در منطقه جلو می‌برد؛ بنابراین وضعیت دیپلماسی فعال کنونی توسط وزارت امور خارجه کشور از انفعال، کم‌تحریکی و انزوای سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ و سال‌های اخیر خیلی بهتر است.

در این سطح، تقریباً کشورهای منطقه از مقاومت فلسطینی حمایت می‌کنند و نسبت به دوره‌های

و مسائل حقوق بشر را در این رابطه مطرح ساختند. حمایت‌های مردم اروپا نیز بی‌سابقه بود و جریانات کاملاً خودجوشی در حمایت از فلسطین به راه افتادند. به این ترتیب، به علت فشارهای رسانه‌ای که علیه جنایات رژیم صورت گرفت، شخصی مثل بایدن که در گذشته اعتقادی به ایده دو دولتی نداشت، امروزه برای حل بحران منطقه، این طرح را مناسب می‌داند؛ بنابراین طرح دو دولتی جدی شده است و با وجود اینکه ما به آن اعتقادی نداریم اما وقوع آن می‌تواند مقدمه‌ای برای انجام اقدامات و مراحل بعد باشد. در این زمینه فریدمن نیز آشکارا اعلام کرد که تنها راه حل اسرائیل در این وضعیت، تقویت تشکیلات خودگردان است؛ به این منظور که کارآمد شود و فساد اداری آن کاهش یابد تا بتواند نیازهای فلسطینی‌ها را برطرف نماید.

البته اگر این طرح صورت گیرد، ممکن است گروه مقاومت تضعیف شود؛ هرچند در این میان، ایران و اسرائیل مخالف طرح نامبرده هستند اما اگر دو دولت شکل گیرد، می‌توان به نحوی گروه مقاومت را تقویت کرد.

### چالش‌ها و پیامدهای بعد از طوفان الاقصی

منسجم شدن داخلی رژیم در پی طوفان الاقصی بعد از حمله حماس به اسرائیل، اتفاقی که در سطح داخلی رژیم رخ داد، این بود که در کنار همه فشارهای سیاسی که به نتانیاهو وارد شد و حتی ممکن است در ادامه عزل شود، یک انسجام ۸۰ درصدی میان اسرائیلی‌ها اتفاق افتاد که به دنبال نابود ساختن حماس هستند و در این رابطه حاضرند هزینه‌هایی را متحمل شوند.

این انسجام در حالی ایجاد شد که قبل از عملیات طوفان الاقصی، اعتراضات درون رژیم بالا گرفته بود و با یک جامعه چندپاره روبه‌رو شده بودیم. در ادامه ممکن است نتانیاهو سقوط کند؛ هرچند در اسرائیل تجربه این اتفاق وجود دارد اما با وجود اتحاد کنونی آنان، آسیب‌پذیری داخلی که می‌توانست عامل فروپاشی رژیم شود تا حدی برطرف شده است. امروزه رویکردهای امنیتی در اسرائیل در رأس همه چیز قرار گرفته‌اند و تمرکز بر آنها وجود دارد.

### انزوای جبهه مقاومت در جنگ غزه

در سطح منطقه نیز عملیات طوفان الاقصی این مسئله را نمایان ساخت که در حوزه مسلحانه، جبهه مقاومت همچنان منزوی است. هیچ بازیگری حتی سوریه حاضر نشد وارد فرایندی جدی در این زمینه شود و اقدامات بیشتری را صورت دهد. در رویکرد مقاومتی کشورها، اراده و تمایلی وجود ندارد و در حوزه مردمی نیز اتفاق خاصی رخ نداده است و گروه‌های چریکی نیز به منطقه اعزام نشدند؛ بنابراین مقاومت در عمق بخشیدن به مقاومت مسلحانه و عملیاتی، تنها است و تنها ایران آن را به دوش می‌کشد. کشورهای دیگر به محکوم‌سازی اقدامات رژیم، بسنده کردند و کشورهایی مثل الجزایر، عراق، سوریه، قطر یا ترکیه اخوانی نیز همچنان منزوی هستند.

### پیوند دوباره حامیان صهیونیستی با رژیم

در پی عملیات طوفان الاقصی در سطح بین‌الملل، صهیونیست‌هایی که در چند سال اخیر به دلایل مختلف، تزلزلی در عقبه جامعه متحدین صهیونیست‌شان در کشورهای غربی ایجاد شده بود ولی همواره به دنبال حفظ بقای رژیم هستند؛ از یهودیان ساکن در آمریکا و لابی‌های آنها تا سیاستمداران و استراتژیست‌های



و سازمان‌های اطلاعاتی / امنیتی برای آنها اهمیت دارند. مؤلفه‌ای مثل افکار عمومی پایدار نیست و مسئله غزه را نیز پس از مدتی فراموش خواهد کرد؛ همان‌طور که انقلاب رسانه‌ای و فیس‌بوکی ضد ما نیز نابود شد. البته جمعیت پیرو و قدرت اقتصادی پشتوانه قدرت نظامی نیز مهم هستند؛ در نتیجه واقعیت این است که در این جنگ، بازدارندگی واقعی ما نیز موشک‌ها و قدرت سخت هستند اما اینها کافی نیستند؛ چراکه طرف مقابل، اقدام به بسیج نیروهای نظامی خود کرده است.

در این فضا، افرادی مثل ایلان ماسک نیز که در گذشته ضد یهود بوده است، امروزه برای حفظ منافع خود، برای اسرائیل اشک می‌ریزد؛ بنابراین حتی امروزه نیز منابع کلاسیک قدرت اهمیت دارند و طرف مقابل ما این نکته را درک کرده است که افکار عمومی گذرا است؛ به همین دلیل به دنبال افزایش تسلیحات، شنود اطلاعاتی، قدرت پهپادی از متحدین اروپایی و اقدامات جاسوسی است. اگر این روند ادامه یابد موازنه قوا به ضرر ما خواهد شد و ناکام خواهیم ماند؛ به همین دلیل بایستی با پهپاد و موشک‌های خود، بازدارندگی ایجاد کنیم.

### در ادامه نشست، دکتر ابوالفضل بازرگان به بیان مطالب خود در راستای موضوع نشست پرداخت: جنگ غزه، جنگی عادی

در منطقه نیست و در واقع یک پیچ تاریخی است که جهان در حال گذار را نمایان می‌سازد. در این وضعیت باید کنشگری فعال داشته باشیم تا از سایر کشورهای منطقه عقب نیفتیم.

غربی طرف دار آنان که عقیده دارند برای مدیریت نظم غربی در غرب آسیا باید اسرائیل باقی بماند؛ این گروه‌ها در چند سال اخیر، با وجود رویکرد راست‌گرای در رژیم و دعوای بی‌دلیلی که رخ می‌داد، نسبت به حماس و گروه‌های دیگر که منفعل بودند، احساس خطر نمی‌کردند و تنها به تقابلشان با ایران اهمیت می‌دادند که فکرمی‌کردند آن نیز قابل مدیریت است؛ زیرا ایران بازیگری عقلانی است و گروه‌های مقاومت نیز با قطعنامه ۱۷۰۲ در جنوب لبنان تحت کنترل رژیم بودند و تنها به حملات نقطه‌ای اکتفا می‌کنند. بعد از عملیات طوفان الاقصی، آن جامعه متحد رژیم که بسیار تأثیرگذار نیز هستند، ارتباط بیشتری با داخل رژیم پیدا کردند.

### بی‌اعتنایی رژیم نسبت به افکار عمومی و بیشینه‌سازی قدرت نظامی

غربی‌ها از ابزار و قدرت‌های جدید مانند اقتصاد یا قدرت نرم و رسانه صحبت می‌کنند اما در واقع رویکرد اصلی خود آنها بر پایه قدرت کلاسیک و نظامی است. ابزاری مثل موشک‌ها، پهپادها، قدرت نظامی



در رابطه با سناریوهای آینده جنگ غزه، ابتدا بیان چند نکته ضروری است؛ اول اینکه در حال حاضر با وقوع عملیات طوفان الاقصی، وضعیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه مساعد است. در وضعیت موازنه قوای کنونی، عمق استراتژیک دشمن در اطراف مرزهایمان مختل شده است.

### ناکارآمدی تهدیدهای مقاومت در پی حمله زمینی اسرائیل به غزه

از طرفی در یک ماه اول جنگ، اسرائیل برای ورود نظامی به غزه تعلل داشت. ابتدا به بمباران هوایی روی آورد و ورود زمینی به منطقه را به تعویق می‌انداخت. یکی از دلایل این امر، نگرانی اسرائیل و متحدانش از نحوه واکنش نیروهای مقاومت بود و در اینکه ایران یا حزب الله چه واکنشی نشان می‌دهند، دچار ابهام بودند؛ به همین دلیل بود که در آن روزها، به صورت مداوم به ایران پیام‌های تهدید یا هشدار ارسال می‌کردند. از طرفی خود آمریکا و اروپا به اسرائیل هشدار می‌دادند که حمله زمینی اشتباه است اما در مرحله‌ای که اطمینان یافتند که مقاومت واکنش زیادی از خود نشان نمی‌دهد، عملیات زمینی را آغاز کردند و خیلی زود، نگرانی‌ها از ورود زمینی اسرائیل به غزه، تبدیل به نگرانی‌هایی از وضعیت آینده غزه شد و از طرفی می‌خواهند بدانند که تصمیم اسرائیل در نهایت چه خواهد بود؛ بنابراین بحث واکنش مقاومت در ادامه روند جنگ، بسیار تعیین‌کننده بود و برعکس برخی نظرات، آنان به دنبال درگیر کردن ایران در جنگ نبودند؛ زیرا خود اسرائیل ضربه می‌دید و بنابراین تهدیداتی که در قالب پیام به ایران ارسال می‌شد، برای بازدارندگی بود نه تحریک ایران برای ورود به جنگ.

به همین دلیل به این نتیجه می‌رسیم که ایران بار دیگر ثابت کرد که بازیگری عقلانی است و با محاسبه هزینه و فایده، کار را پیش می‌برد و بازیگر دگم یا غیرعقلانی نیست. در این راستا مشاهده کردیم که حزب الله نیز بسیار عقلانی عمل کرد اما یمن که این میزان از مسئولیت کل کشورش را در دست ندارد و همچنین اندازه ما چیزی برای از دست دادن ندارد، به همین دلیل اقدامات بیشتری را صورت داد. همچنین اینکه ما در حال حاضر باید تنها به اصل خودیاری اکتفا کنیم، بحثی درست است؛ چراکه در جهان، بارها این مسئله به اثبات رسیده است که حقوق بشر یا سازمان‌های بین‌المللی اهمیتی ندارند.

### سناریوهای آینده جنگ غزه

۱. در اولین سناریو که احتمالش ضعیف‌تر است، اسرائیل با حمایت متحدین، در پی پیشروی بیشتر برمی‌آید و به افکار عمومی ضد خود نیز توجهی نمی‌کند اما این افکار عمومی ممکن است برای آمریکا یا اروپا مهم باشد؛ چراکه سال‌های زیادی برای ساختن چهره‌ای مظلوم و پاک از اسرائیل تلاش کرده‌اند و هزینه‌های سنگینی در هالیوود صورت داده‌اند و امروزه نیز این چهره‌سازی‌ها از صهیون برقرار است؛ بنابراین ممکن است در ادامه این روند، افکار ضداسرائیلی در جهان و از طرفی در پی ضعف نتانیاهو در پیشبرد بیشتر جنگ، اهداف محدودتری برای اسرائیل تعیین کند و از ادامه جنگ دست بکشد.

۲. در سناریوی بعدی، بایدن ممکن است به نتانیاهو فشار وارد کند تا قبل از انتخابات آمریکا در سال آینده، جنگ را به سرانجامی برساند یا اینکه کل غزه را تصرف کند و یا از جنگ دست بکشد؛ چراکه افکار عمومی داخلی آمریکا در ادامه بسیار اهمیت پیدا خواهند

کرد و در حال حاضر نیز افکار منفی نسبت به بایدن افزایش یافته‌اند.

۳. سناریوی سوم که احتمال وقوعش بیشتر است، این است که جنگ غزه فرسایشی خواهد شد. در جنگ طولانی نیز به تدریج حماس تضعیف می‌شود و ممکن است کشور ما نیز ناچار شود در صورت گسترش حملات به سایر جبهه‌های مقاومت یا حتی به درون مرزهای خودمان و مورد هدف قرار دادن نیروهای مان، درگیر جنگ شود.

این در حالی است که نباید در پی حفاظت از حماس، سایر متحدین را به نابودی کشانیم. جنگ غزه، مسئله‌ای عادی در منطقه نیست و بر اساس سخنان حضرت آقا، یک پیچ تاریخی است که جهان در حال گذار را نمایان می‌سازد. از این وضعیت، بسیاری از کشورها بهره می‌برند؛ از جمله چین، امارات، روسیه یا عربستان، آینده جنگ را برای خود مهم قلمداد می‌کنند؛ بنابراین اگر در این وضعیت، اقدامی صورت ندهیم، تنها کشورهای منطقه از آن سود می‌برند و ما عقب می‌مانیم. نظم آینده منطقه و جهان در حال تغییر است و اگر بخواهیم در جهان جدید نقشی داشته باشیم، باید کنشگری فعال از خود نشان دهیم.

### تشویق آمریکا برای حضور دوباره در غرب آسیا

نکته مهم این است که جنگ غزه با حضور دوباره آمریکا در منطقه ارتباط مستقیم دارد. مطلوب ما این بود که آمریکا به دلیل درگیری در دیگر نقاط دنیا، امکان حضور مستقیم همانند گذشته را در منطقه نداشته باشد اما در سفر اخیر شی جین پینگ به ایالات متحده، بایدن در پی بهبود روابط بود تا حوزه

شرق آسیا به همین شکل باقی بماند تا دوباره در غرب آسیا تمرکز یابد.

از طرفی اگر امارات، بحرین و سایر کشورهای منطقه از آمریکا بخواهند که به منطقه برگردد و حاضر شوند هزینه اقدامات مورد نیاز را متقبل شوند، وضعیت ما دوباره با مشکلات بیشتری روبه رو خواهد شد.

### همکاری با ترکیه و قطر

نکته دیگر این است که در منطقه، همراهی‌های نصفه‌ای با خود داریم که قابل اتکا نیستند؛ باین وجود با دو کشور قطر و ترکیه می‌توانیم همکاری بیشتری داشته باشیم؛ چراکه همانند ما به دنبال جلوگیری از حذف حماس هستند. در حال حاضر بزرگ‌ترین حامی حماس، استانبول است. برخلاف این که اردوغان با همه کشورها همکاری دارد اما طی اتفاقات اخیر، روابط خود با اسرائیل را کاهش داده است و علیه اسرائیل در مجامع بین‌المللی موضع می‌گیرد. از طرفی قطر نیز در عمل، حامی بزرگ حماس است و این دو کشور نمی‌خواهند که گفتمان اخوانی در منطقه تضعیف شود؛ بنابراین باید از این ظرفیت‌ها استفاده کرد اما ایجاد روابطی مساعد با کشوری مثل عربستان نیز خوب است اما تنها برای خودمان فایده دارد تا اسرائیل وارد خلیج فارس نشود.

اما همکاری با قطر و ترکیه می‌تواند به حماس نیز کمک کند. این درست است که ترکیه رقیب ما است اما باید در زمینه‌هایی که همپوشانی منافع وجود دارد، همکاری نماییم. ترکیه علاوه بر اینکه با اسرائیل همکاری می‌کند، مخالف حذف حماس نیز است. همچنین کشورهایی مانند چین و روسیه نیز با اسرائیل همکاری دارند اما نباید در حال حاضر بر روی این مسائل حساس بود.



لزوم دستیابی به بازدارندگی کامل در جهان، با نظم نوین در بحث تقویت نیروهای نظامی نیز تقویت قوای ما باید به شکلی تهاجمی شکل گیرد. نیروهای مقابل، در حال حداکثرسازی قوایشان هستند و ما نیز در قلب مقاومت، راهی جز حداکثرسازی قدرت و بازدارندگی کامل نداریم. ما با دو قدرت هسته‌ای روبه‌رو هستیم و آنان با تهدید هسته‌ای، بر تغییر رفتارمان تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین برای جلوگیری از تهدید گروه‌های مقاومت مانند حزب الله و حشد الشعبی، باید این بازدارندگی را ایجاد کنیم؛ زیرا در سطح نظام بین‌الملل ممکن است در آینده با ضعف مقاومت در منطقه روبه‌رو شویم یا اینکه روسیه و چین نیز ما را به بازی گیرند. در صورتی که تنها مزیت مطلق ما در منطقه، امنیت سازی ما است؛ بنابراین در این باره باید اشاره کرد که موشک‌ها کافی نیستند و باید به سطح آستانه هسته‌ای یک یا دو روزه برسیم تا همه چالش‌ها کم‌رنگ شوند. در حال حاضر در پی عملیات طوفان الاقصی، تمامی اتحادهای ضدایرانی به دست خودمان چرخیده‌اند اما در آینده، احتمال دارد دوباره به دست دشمن افتد و بنابراین این شرایط ایجاد شده، قابل انکار نیست. به خودیاری و بازدارندگی کامل نیاز است تا در جنگ غزه، بتوانیم روابطمان را با روسیه و چین و... با قطعیت، کنشگری کنیم. از طرفی نمی‌توان ادعای بازسازی جهان آینده را داشت؛ در صورتی که هنوز بازدارندگی کاملی صورت نگرفته است. در حال حاضر بازدارندگی ما بر اساس منطق هزینه / فایده است و نه بر اساس تهدید فوری؛ به همین خاطر در جنگ اخیر خیلی تهدیدات ما را جدی تلقی نکردند.

بنابراین، جنگ غزه را بایستی در سطح بین‌المللی در نظر گرفت و نمی‌توان تنها آن را در حد منطقه‌ای ببینیم و برای اینکه گستره آن به داخل مرزهایمان کشیده نشود، از آن دوری کنیم. در زمان حال که اسرائیل و آمریکا درگیر این بحران شده‌اند، بهترین زمان و فرصت ممکن برای ما است تا به حداکثرسازی قدرت خود پردازیم حتی اگر به بهای هسته‌ای شدن عربستان و ترکیه نیز تمام شود. هسته‌ای شدن آنان نیز بر صلح و ثبات منطقه تأثیر مثبت دارد. در انتهای نشست، حضار به طرح سؤالاتی در رابطه با مباحث بیان شده پرداختند:

**دکتر میرزائی:** حزب الله در شرایطی وارد جنگ شده است که وضعیت داخلی لبنان نیز علیه آن است؛ با این وجود تلاش می‌کند به حماس کمک برساند و البته با اقداماتی که صورت داد، رژیم را در جاهایی متوقف ساخت اما در وضعیت موجود، خود رژیم صهیونیستی اعلام کرد که آمادگی ادامه جنگ به مدت طولانی را دارد. در حال حاضر، وحدت داخلی آن به علت حمله طوفان الاقصی طبیعی است اما آیا در صورت فرسایشی شدن جنگ نیز توان حفظ این وحدت را دارد؟

در پاسخ به این سؤال، دکتر آجورلو این نکته را مطرح ساخت: رژیم صهیونیستی با توجه به اقتصادی قوی، اتحاد داخلی و حمایت‌های غربی می‌تواند جنگ را ادامه دهد. در حال حاضر شرکت‌های تجاری آن فعال هستند. از طرفی باید دقت کرد که درگیر یک جنگ کامل و تخریبی نشده است که برای مثال بمباران شود و هزینه‌های بالایی برایش داشته باشد بلکه عملیاتی‌هایش نقطه‌ای هستند و با توجه به

از طرفی اسرائیلی‌ها ثابت کرده‌اند که در جنگ‌های چریکی نیز مهارت دارند. در همین راستا به تصرف کرانه باختری می‌پردازند و حاضرند در این راه هزینه کنند تا موشک‌پرانی‌های آن منطقه را خنثی نمایند. غزه را نیز می‌توانند اشغال سازند تا امنیت داخلی خود را برقرار کنند. این روزها تعداد تلفات اسرائیلی‌ها نسبت به مردم فلسطین بسیار کمتر شده است البته تا همین مرحله نیز مقاومت برای آنها مشکلات عمده‌ای ایجاد کرده است.

حمایت‌هایی که از آن می‌شود، کار را جلو خواهد برد تا بقای خود را که مهم‌ترین مسئله است، تضمین کند. در ادامه، حتی اگر اسرا نیز آزاد شوند، رژیم به جنگ ادامه خواهد داد. وضعی که متوجه رژیم است، داخلی است اما اگر جبهه راست‌گرایی کنار رود، ممکن است حزب لاپید سکولار و ملی‌گرا روی کار آیند و وضعیت داخلی‌اش به سروسامانی برسد؛ بنابراین نمی‌توان بر روی این مسائل حساب کرد؛ در نتیجه با این شرایط تا سال‌ها می‌تواند جنگ را ادامه دهد.

